نازه‌های نشر

«ولایت و انسان‌سازی» در منظومه فکری رهبر انقلاب

«ولایت و انسان‌سازی» برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. کتاب «ولایت و انسان‌سازی» به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گذرگاه رشد انسان است. هر قدر محیط و قوانین یک جامعه، بیشتر منطبق بر فطرت آدمی باشد، به همان میزان شکوفایی استعدادهای بی‌پایان انسان‌ها نزدیک‌تر فراهم می‌آید. از این نظر که انسان‌ها ناگزیر از زندگی جمعی و اجتماعی هستند، پس باید فضای زندگی جمعی انسان‌ها را جوری ساخت و مدیریت کرد که بتوانند در این محیط، پله‌های تکامل انسانی را طی کنند.

دین به عنوان «یگانه مرجع بی‌نقص در راهنمایی بشر» تمام لوازم، شرایط و ابزار ساخت یک جامعه الهی را بیان کرده و این قوانین را در قالب «کتاب» به انبیاء داده تا بپایند و جامعه‌ای در خور شأن انسان بسازند.

بعد از انبیاء، اولیای الهی نیز متکفل همین وظیفه خطیرند و مأمور به دست‌گیری از انسان‌ها در قالب ایجاد یک نظام و جامعه اسلامی هستند. بر اساس قاعده امامت، خداوند متعال، در عصر غیبت حضرت حجت‌بن‌الحسن‌المهدی (روحی‌فداه) انسان‌ها را بی‌راهنما و رهبر رها نکرد، بلکه ولایت خود را به فقهای عظیم‌الشأن اسلام واگذار کرد تا ایشان خط انبیا و امامان معصوم را ادامه دهند. در عصر غیبت، وظیفه راطی فقیه، بی‌کم و کاست، همان وظیفه انبیا و اولیا، یعنی ایجاد کارخانه انسان‌سازی است.

این کتاب، به موضوعاتی که به عناوین آن در چند سطر بالا اشاره شد، پرداخته است. محتوای کتاب، همه از بیانات ارزشمند رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است. در این کتاب سعی بر دقت در گزینش و چینش بیانات معظم‌له، بر اساس نگاه کلان ایشان به موضوع «ولایت و انسان‌سازی» بوده است.

مردم آمده است و در حقیقت عامل جهت دادن به همه تلاش‌های انسانی است. دین، یعنی صراط زندگی. اگر شما یک جامعه انسانی و به یک کشور نگاه کنید، می‌بینید انسان‌ها در این جامعه برای مسائل فکری و عاطفی و معیشتی و عمومی خود، فعالیت‌های گوناگونی دارند. دین همه این فعالیت‌ها را جهت می‌دهد؛ آن‌ها را هدایت می‌کند و به کمک خرد انسانی می‌شتابد تا انسان بتواند این فعالیت‌ها را طوری تنظیم کند و کنار هم بنشاند تا سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین کند. دین خدا یعنی برنامه سعادت بشر در دنیا و آخرت، همان‌طور که ضامن رشد و اعتلای معنوی جوامع بشری است، پس حاکمیت ولی‌فقیه و در برخی دیگری از کتاب این‌طور می‌آموزیم: حدود ولایت و حاکمیت فقیه، همان حدود فقه است. تا هرجای زندگی بشر که فقه اسلامی یعنی احکام الهی گسترده است، ولایت و حاکمیت فقیه هم تا همان‌جا گسترده است و چون می‌دانیم که فقه اسلامی هیچ امری از امور زندگی بشر را از حکم الهی بیرون نمی‌داند و همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فردی و اجتماعی مشمول حکم الهی است، پس حاکمیت ولی‌فقیه هم شامل همه امور فردی، امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امور بین‌المللی و همه چیزهایی است که در قلمرو حکم اسلامی و شرعی است.

«ولایت و انسان‌سازی» برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب به کوشش اسماعیل فخریان در قطع رقعی و ۱۴۰ صفحه توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. علاقه‌مندان برای تهیه کتاب می‌توانند از طریق سایت رسمی انتشارات شهید کاظمی اقدام کنند.

موعظه

آیت‌الله جاودان

آثار اطاعت و معصیت پدر و مادر در فرزندان

حضرت رضا(ع) فرمودند: «اوحی اللّه عزّ وجلّ إلی نبیّ من الأنبیا»، خدای عزّ و جل به نبی‌ای از انبیای خود این حرف را وحی فرمود: «إذا أطعت رضیت و إذا رضیت بارکت و لیس لبرکتی نهایة» مادر زبان فارسی اطاعت را چه معنا می‌کنیم؟ حرف گوش کردن... اگر من زمان چه، چه خورده بود. خب خودت داری می‌گویی هر چه کرده، پدرم کرده. در صورت اگر من معصیت کنم، در نسلم تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که اگر شخص اهل اطاعت باشد، در نسلش هم تأثیر می‌گذارد. گفتند به برکت می‌رسد. نگفتند این برکت چیست. من فقط مثال بهشت را برایتان عرض کردم. تا بی نهایت برکت.

من اطاعت شوم، راضی خواهم شد. اگر راضی شوم، «بارکتُ» برکت خواهم داد؛ «و لیس لبرکتی نهایة»، برکت من پایان ندارد. یعنی آدم در اطاعت خدا به یک برکت بی‌نهایت می‌رسد. در زبان فارسی برکت به چه معناست؟ به معنای خیر است. آدم به خیر بی‌نهایت می‌رسد. اگر در خاطرتان باشد مکرر گفته‌ام بهای دو رکعت نماز خوب بهشت است. خب بهشت چه اندازه است؟ سر و ته ندارد؟ نه، سر و ته ندارد. از نظر زمانی که بهشت هیچ کس پایان ندارد. از نظر جغرافیایی هم پایان ندارد. یعنی طول و عرض ندارد، تا بی‌نهایت است. چنین برکتی بهشت به بهای آسمان‌هاست. می‌دانید که آسمان‌ها نهایت ندارند. ادامه حدیث می‌فرماید: «وإنّا غضبتُ» اگر مخالفت شوم و به فرامین بهشت یک نفر این‌گونه است. بهشت یک نفر از اهل تقوا پایان ندارد. نظر زمانی پایان ندارد. در آیه ۲۱ سوره مبارکه حدید فرمود: وسعت بهشت متقین «وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» بهنای آن بهشت به بهنای آسمان‌هاست. می‌دانید که آسمان‌ها نهایت ندارند. هر روز هم وسعت تازه و بیشتری پیدا می‌کند. سر و ته ندارند.

من مخالفت شود و به زبان ماگناه کنند، «غَضِبتُ غَضَب» خواهم کرد. «وإذا غَضِبتُ لَعَنتُ» وقتی غضب کنم، لعنت خواهم کرد. لعنت یعنی چه؟ یعنی آن کسی که معصیت کرده از رحمت من دور می‌شود. هر مقدار معصیت کند، بیشتر از رحمت دور می‌شود. «فلَعَنتی تَبلُغُ السَّابِعَ مِنَ الوَرَی» یک چیز عجیبی است. این لعنت می‌رود درون نسلش، متوجه شد؟ شدید؟ لعنت در نسلش ادامه می‌یابد. خدایی نکرده از یک پدر و مادر بد، فرزند خوب نمی‌آید دیگر. آثار معصیت پدر و مادر در فرزندان پیدا می‌شود. یک وقتی خانمی نامه‌ای نوشته بود. یک عیب و نقص جسمانی داشت. خیلی شکایت داشت. البته او از خدا شکایت می‌کرد که خیلی بد است. بعد خودش گفته بود پدر و مادرم بد است. واقعیت این است مسئله کارآمدی است. واقعیت این است مسئله و معضل جمهوری اسلامی، نه در آرمان‌ها و نه در زیرساخت‌هایش، بلکه در کارآمدی است. اگر مردم دولت و معیشت کارآمدی را تجربه کنند، طبیعتاً ایجاد امید هم خواهد شد.

■ **بر اساس بیانیه گام دوم، راه حل مشکلات اقتصادی کشور، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است چرا این مسئله در ۴۰ سال اول محقق نشده است؟**

به‌نظر می‌رسد در این ۴۰ سال بدنه اصلی مدیریت کشور، آگاهانه یا ناآگاهانه، جریانی بوده که متمایل به اندیشه غربی است؛ یا یک نوع لیبرالیسم خود آگاه یا ناخودآگاه است. ما بعد از جنگ عملاً به سمت ادبیات توسعه رفتیم و مجبور شدیم یا انتخاب کردیم و عملکرد بانک مرکزی، فضای اقتصادی و وزارتخانه‌های اقتصادی، در این مسئله به خاطر تمایلات غرب‌گرایون مشهود است. مسئله اصلی در اقتصاد مقاومتی این است آن باور قلبی که در اجرای این سیاست باید در کارگزارانمان باشد، وجود ندارد. فکر می‌کنم در دهه آینده مدیرانی خواهیم داشت که در ساختار بومی رشد کرده‌اند و همین مسئله می‌تواند خودش امیدوارکننده باشد.

■ **خیلی از وزرایی که خودشان منتقد سیاست‌های اقتصاد لیبرالی بودند و از قضا در فضای انقلابی هم رشد کرده‌اند، می‌بینیم باز همان سیاست‌ها را دنبال می‌کنند. چه باید کرد؟**

اولاً تعیین این ریل به این آسانی نیست و نیاز به زمان دارد. یک موقع اگر صحبت از علوم انسانی اسلامی می‌کردید، شما را تمسخر می‌کردند، امروز می‌گویند یک چیزهایی هم می‌شود به عنوان علوم انسانی اسلامی شنید. اقتصاد مقاومتی یک دهه است تبدیل به ادبیات شده است؛ ۱۵ سالی بیشتر نیست که موضوع سیاست منطقه‌ای پررنگ شده، قاعدتاً خیلی از کسانی که مدیران اقتصادی امروز کشور هستند ظاهراً چهره حزب‌اللهی و متدین‌اند، ولی نکته اینجاست این‌ها در مریخ که رشد نکرده‌اند، بخشی از ساحت تربیتشان در فضای انقلاب و پای اندیشه رهبران انقلاب بوده است بخشی هم شاگردی اساتیدی بوده که علوم انسانی غربی را برای این‌ها مطرح کرده‌اند، طبیعی است اسلامی هستند، تبدیل شدن جریان انقلابی به یک بازیگر سیاسی است؛ اینکه این جریان پراگماتیسم و عمل‌گرا شود، فرقی هم نمی‌کند که باریش و چادر باشد یا بی‌ریش و بی‌حجاب، شما با این ادبیات جلو بیایید، جریان انقلابی استحاله می‌شود و هرچه سهمگینی هم باشد، این گفتمان وارد می‌شد، دفتر تلفنش گفتمان فروکش کرد اما کماکان وجود دارد و یکی از آفت‌های می‌تواند این باشد که بگوییم ادبیات کاملاً انقلابی، یک پراگماتیسم و عمل‌گرایی وجود داشته باشد.

■ **موانع تحقق این سند بالادستی را چه می‌دانید؟**

موانع متعدد است، یکی از جدی‌ترین موانع در حوزه «امید» است که رهبری فرمودند اولین نکته‌ای است که باید اصطلاحاً از دیل «جهاد تبیین» عرض کنم. ناامیدی و عدم امیدواری نسبت به تحقق گام دوم معضلی است که می‌توان آن را ذیل عنوان «جهاد تبیین جهاد امید» قرار داد؛ واقعاً در این موضوع در سال‌های فعلی و شرایط فعلی نیازمند آن هستیم.

نکته دومی که در بیانیه گام دوم به ذهن می‌رسد، شعارزدگی و نبود پیوست اجرایی آن است، یعنی بیانیه گام دوم صرفاً در سطح یک شعار طرح شود. مثال می‌زنم؛ اگر ما نقصی در ساختار فعلی کشور که می‌آید و می‌گوید اگر نقصی در ساختارهای کلان اداری کشور داریم، می‌توانند ذیل بیانیه گام دوم طرح شود و به نوعی شوکی را ایجاد کند. من فکر می‌کنم جمهوری اسلامی در دهه پنجم انقلاب نیازمند یک شوک ساختاری است. شبیه به آن چیزی که در پایان دهه ۶۰ و در قصه اصلاح قانون اساسی داشتیم که در میان رهبری انقلاب هم تأکید شد، اما یک اراده‌ای که در مجموعه ساختاری کشور باشد، اسلامی شنید. اقتصاد مقاومتی یک دهه است تبدیل به ادبیات شده است؛ ۱۵ سالی بیشتر نیست که موضوع سیاست منطقه‌ای پررنگ شده، قاعدتاً خیلی از کسانی که مدیران اقتصادی امروز کشور هستند ظاهراً چهره حزب‌اللهی و متدین‌اند، ولی نکته اینجاست این‌ها در مریخ که رشد نکرده‌اند، بخشی از ساحت تربیتشان در فضای انقلاب و پای اندیشه رهبران انقلاب بوده است بخشی هم شاگردی اساتیدی بوده که علوم انسانی غربی را برای این‌ها مطرح کرده‌اند، طبیعی است اسلامی هستند، تبدیل شدن جریان انقلابی به یک بازیگر سیاسی است؛ اینکه این جریان پراگماتیسم و عمل‌گرا شود، فرقی هم نمی‌کند که باریش و چادر باشد یا بی‌ریش و بی‌حجاب، شما با این ادبیات جلو بیایید، جریان انقلابی استحاله می‌شود و هرچه سهمگینی هم باشد، این گفتمان وارد می‌شد، دفتر تلفنش گفتمان فروکش کرد اما کماکان وجود دارد و یکی از آفت‌های می‌تواند این باشد که بگوییم ادبیات کاملاً انقلابی، یک پراگماتیسم و عمل‌گرایی وجود داشته باشد.

■ **در چنین فضایی چطور می‌توان امیدوار بود و امید را به جامعه تزریق کرد؟**

به‌نظر می‌رسد مردم زمینه امید آفرینی دو طیف می‌توانند نقش بسیار جدی داشته باشند؛ یکی جریان مربیان هویت دینی و اسلامی به زنان و نوجوانان و تمدن را مطرح نمودند، من فکر می‌کنم قوام دولت جوان انقلابی، انقلاب اسلامی را آن‌شاءالله در گام سوم به یک استقراری می‌رساند.

نه اینکه یک معجزه‌ای اتفاق بیفتد، اما وقتی به بدنه مدیریتی کشور نگاه می‌کنید شاهد تزلزل نسبی قابل قبولی از مدیرانی هستید که معتقدند آرمان‌های انقلاب اسلامی و از پختگی و تجربه‌ای برخوردار هستند، پس‌بینی من این است شاید در افق کوتاه مدت، در دهه پیش رو بلوغ دولت انقلابی را داشته باشیم و بعد هم مسئله جامعه‌سازی و فضای عمومی آن‌شاءالله خواهیم داشت.

■ **برای پاسخ به این مسئله فکری دبیر نیست؟**

اینکه پس از ۴۰ سال، ما الان بگوییم سازوکار لازم برای به صحنه آوردن جوانان را نداریم و مشکل شبکه‌سازی داریم؟

بله متأسفانه خیلی دبیر است. وقتی شما از مسئولان نیز پذیرفته شده است. نکته دوم اینکه آیا بدنه جوان، آمادگی و زیرساخت‌های فکری، تجربی و... دارسیدن به مسئولیت اجرایی را دارد یا نه؟ به نظر می‌رسد این اتفاق نیفتاده است. من نمی‌خواهم بگویم ما اینجا نیروی انسانی لازم را نداریم؛ ولی نکته اینجاست که بین حوزه تربیت (و به نوعی تولید نیروی انسانی) و اینکه آن نیروی انسانی آماده حوزه اجرا شود، فاصله داریم.

■ **خب این به خاطر «تجربه» است که مسئولان فضا را برای جوان‌ها باز نکردند تا تجربه کسب کنند، چه بسا اگر فرصت تجربه کردن به جوان‌ها داده می‌شد، نتایج بهتری به بار می‌آمد.**

این بحث تجربه یک چیز است، اما اینکه گام‌ها جوان در چه ساختاری وارد شود. الان مورد بحث ماست؛ نه دانشگاه‌های ما ارتباط معناداری با حوزه ارادت دارند و نه ما آن ساختار حزبی غربی را داریم. البته نمی‌خواهم ساختار حزبی غربی را تأیید کنم اما بالاخره ساختار حزبی، ساختاری برای انتقال نیروی انسانی به صحنه اجرای سیاسی و اداری کشور است. علاوه بر اینکه ما دانشگاه‌های حکمرانی نداریم. می‌خواهم عرض کنم یک چیزی این وسط گم شده است؛ شما فرض بفرمایید الان در همین دولت فعلی، اراده جوان‌گرایی وجود داشته باشد، از چه شبکه‌ای و چه مسیری می‌خواهد شناسایی کند. این هم یک نکته‌ای است که من فکر می‌کنم یکی از موضوعاتی که در این سال‌ها به‌خصوص در این دولت باید به آن فکر شود، همان شبکه‌رشد و تعالی در صحنه اجرایی کشور است.

■ **الان برای پرداختن به این مسئله خیلی دیر نیست؟ اینکه پس از ۴۰ سال، ما الان بگوییم سازوکار لازم برای به صحنه آوردن جوانان را نداریم و مشکل شبکه‌سازی داریم؟**

بله متأسفانه خیلی دیر است. وقتی شما از مسئولان نظام و امور بین‌المللی و همه چیزهایی است که در قلمرو حکم اسلامی و شرعی است.

«ولایت و انسان‌سازی» برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب به کوشش اسماعیل فخریان در قطع رقعی و ۱۴۰ صفحه توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. علاقه‌مندان برای تهیه کتاب می‌توانند از طریق سایت رسمی انتشارات شهید کاظمی اقدام کنند.

دیدگاه

آیت‌الله رشاد مطرح کرد

انقلابی‌گری امام(ره) از عرفان آغاز شد

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، مؤسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که افزون بر جامعیت علمی و مراتب فلسفی، خود از سابقون انقلاب و نمایندگان معرفتی آن است، در گفت‌وگو با تسنیم از باطن ملکوتی و معنوی انقلاب سخن می‌گوید و تأکید می‌کند در بازخوانی این واقعه پردامنه نباید نگرش معنوی را از دست نهاد. گزیده‌ای از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ **اگر جهات مختلفی را برای انقلاب اسلامی در نظر بگیریم، قطعاً یکی از این جهاتی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که از نظر متفکران آن روزگار، عصر انقلاب در دنیا سیری شده بود و همه از «اصلاح» سخن می‌گفتند، اما انقلاب اسلامی اساسی این نگرش و روند را تغییر داد.**

بله دقیقاً، اصلاً در آن روزگار این شعارها جا افتاده بود که دین، افیون توده‌هاست. این انقلاب آمد و این تئوری پذیرفته‌شده را که بسا صدها میلیون انسان آن را باور کرده بودند ابطال نمود و ثابت کرد دین افیون توده‌ها نیست بلکه برانگیزنده توده‌هاست، شور و شورش و شعور از دین برمی‌خیزد.

یکی از جهات دیگری هم که کمتر به آن توجه شده تحلیل انقلاب با نگرش معنوی است. این نگاه، نگاهی بسیار خوب و نقطتی است چرا که به باطنی انقلاب و ژرفای انقلاب بود که شاه را از کشور بیرون کرد.

■ **منظورتان این است که جوهره اصلی انقلاب معنویت بود نه امور مادی و عینی تاریخی؟**

بله. در طول تاریخ و در جوامع مختلف شاهان زیادی از سوی ملل برخاسته بیرون رانده شده‌اند و این اصلاً اتفاق تازه‌ای نبود، گرچه سلطنت و نظام پادشاهی در هیچ دوره‌ای مانند دوره ما و در کمتر نقطه‌ای از جهان چنین رژیم پایدار و برپیشینه‌ای، سقوط کرده است چون در غالب کشورها، رژیم‌های پایدار اینچنینی مانده‌اند.

به‌هرحال هنوز که هنوز است جوامعی بر پایه نظام سلطنتی اداره می‌شود اما در ایران جمهوری‌خواه قرن و سلطنت برگشت که این بسیار مهم بود و مهم‌تر از آن، این بود که انقلاب آمد و ماهیت انقلاب کردن را تغییر داد، جهت‌گیری انقلابی بودن را تغییر داد، هرچه معنوی‌تر و باتقواتر و آخرت‌باورتر، انقلابی‌تر. این انقلاب همه چیز را تغییر داد، اگر بخواهیم ویژگی‌ها به‌معنای اختصاصات انقلاب اسلامی را برشماریم، فهرست بلندی خواهد شد، یکی از آن جهات مهمی حیث معنوی بودن انقلاب اسلامی است که شما هم به آن اشاره کردید.

این واقعه، واقعه‌ای معنوی و آخرالزمانی بود، به‌تعبیری که می‌تواند یکی از حلقه‌های سلسله معنوی وحیانی الهی. که در طول تاریخ رخ داده است و اغلب انبیای الهی با الهام از سپهر الهی سرحلقه این حلقه‌ها بودند. باشد، هرچند این بار یک مرد الهی اما غیر از پیامبر، ولی با تمام آن حالات و روحیات و خصوصیات که اولیای الهی دارند، یک مرد معنا، یک مرد معرفت و یک مرد عرفان آمد و وارد عرصه شد.

■ **شما به‌عنوان استادی محقّق در حوزه فلسفه اسلامی که با اندیشه‌ها، چهره‌ها و دانشوران این عرصه آشنایی بی‌واسطه و مستقیم دارید کدام وجه از وجوه اندیشگی امام(ره) را برجسته‌تر می‌یابید؟**

بنده در مقدمه دیوان امام(ره) این یادداشت را نوشته‌ام که اصولاً امام فقیه بود، اصولی بود، فیلسوف بود و اسفارگوی برجسته‌ای بود. دو نفر بودند که اسفار می‌گفتند، علامه طباطبایی و حضرت امام(ره)، با پیام مرحوم آیت‌الله بروجردی، مرحوم علامه درسشان را تعطیل کردند، امام هم درس خود را تعطیل کردند و گفتند من از مرجعیت اطاعت می‌کنم، یعنی امام در تراز علامه طباطبایی(ره)، استاد مسلم حکمت و عرفان بودند.

تمام کتاب‌ها و نقدهای ایشان برای دوره جوانی و پیش از میانسالی ایشان است. مرحوم استاد مطهری و آقای منتظری که شاگردهای اول حضرت امام بودند اول شاگرد فلسفه، عرفان و اخلاق ایشان بودند و بعد شاگرد اصول و فقه ایشان شدند، یعنی آن‌ها درخواست می‌کنند امام درس خارج فقه و اصول را شروع کنند و امام همزمان و همراه با شاگردان خود درس خارج فقه اصول را شروع می‌کنند و با شاگردهای خود به درس آیت‌الله بروجردی می‌رفتند، یعنی امام اول عارف است بعد اصولی و سپس سیاستمدار شده است.

■ **با این تقریر به‌نظر می‌رسد از نظر شما، میان دو حوزه معرفت عرفانی و سیاسی، به لحاظ معرفت‌شناختی، نسبت تمانعی برقرار نیست.**

بله، به‌عقیده بنده مایه‌های انقلابی گری امام(ره) از عرفان ایشان آغاز شده است و ریشه در حس عرفانی و سلوکی ایشان دارد و این سرّ توفیق است، این سرّ موفقیت‌هاست و این سرّ فتوحاتی است که اتفاق می‌افتد، سدها شکسته می‌شود و همه حرف‌ها تغییر می‌کند.

بیش از ۱۰۰ سال بود که انقلابیون جز به جنگ مسلحانه فکر نمی‌کردند، اصلاً انقلابی بودن و مسلحانه نجنگیدن معنی نداشت، حتماً باید با تور و حمله و جنگ مسلحانه به انقلاب فکر می‌کردند، امام رویه مبارزه را هم تغییر دادند و هیچ وقت دست به سلاح نبردند.

بعضی‌ها به ملاقات امام(ره) رفتند و اصرار کردند ولی ایشان هرگز اجازه ندادند از اسلحه استفاده شود. همان بیست و یکم و بیست و دوم بهمن ماه هم ایشان فرمان جهاد و دست بردن به سلاح را ندادند و فقط تهدید کرده و فرمودند: حکومت نظامی را نقض کنید در غیر این صورت ممکن است ما کار دیگری بکنیم.

امام هیچ‌گاه نفرمودند ما سلاح به دست می‌شویم، همان‌طور که سلاح به دست مردم هم آفات و هزار ایشان فرمان جنگ مسلحانه ندادند و انقلاب بازیر کلام و کتاب بنا نهادند، با این روش همه رویه‌ها و سنت‌ها تغییر کرد.

واقعاً با انقلاب اسلامی تمام عادت‌ها شکسته شد. چنین اتفاق عظیمی همچنان و به‌لطف خدا پایدار و پویاست و ادامه پیدا می‌کند و روزافزون در حال درنوردیدن مرزهاست.

■ **اجازه بدهید به‌عنوان جمع‌بندی نهایی بحث، انقلاب اسلامی ایران را در منظری عمل‌گرایانه بررسی کنیم و دیدگاه شما را درباره صورت‌بندی و نظم جدیدی که انقلاب و امام(ره) در ابتدا در آن بودند جویا شویم، به اعتقاد شما این صورت‌بندی و نظم جدید توانست به نتایج ملموس و مطلوبی هم منتهی شود؟**

من پاسخ شما را با طرح یک پرسش مشخص می‌دهم؛ ما امروز قوی‌تر هستیم یا ۴۰ سال پیش؟ قطعاً امروز ما قطبی در جهان هستیم و یک طرف تمامی مسائل در عالمه، ایران است. کسی می‌تواند در جهان امروز تصمیمی بگیرد و کاری انجام دهد و اقدامی کند که ما یک طرف آن قضیه نباشیم؟ امکان ندارد. یکی از این روایات که وعده و نوید امن انقلاب اسلامی در آن آمده، تصدیق نام امام(ره) است، این دیگر تحلیل نیست، در جلد هفتاد و سوم بحار، مرحوم علامه مجلسی روایتی نقل می‌کند که خلفای اول و دوم و سوم نزدیک منزل پیامبر(ص) ایستاده بودند، حضرت علی(ع) نیز حضور داشتند. پیامبر از منزل بیرون آمده وبه‌روی حضرت علی(ع) نشستند و شروع به بحث در خصوص قومی کردند. تا زمانی که حضرت علی(ع) پرسیدند این قوم چه‌کسانی هستند، که پیامبر(ص) پاسخ دادند: ایشان شیعیان تو هستند و ویژگی‌ها و صفاتی از جمله دوست داشتن «روح‌اللّه» بدون دوست داشتن مال را ذکر فرمودند.

دکتر محمدی سیرت از راه طی شده و چشم‌اندازهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سومین سال انتشارش می گوید

نقشه راه پیشرفت از مسیر جوان‌گرایی

گوینده اینکه کدام جوان در چه ساختاری وارد شود الان مورد بحث ماست؛ نه دانشگاه‌های ما ارتباط معناداری با حوزه اجرا دارند و نه ما آن ساختار حزبی غربی را داریم. البته نمی‌خواهم ساختار حزبی غربی را تأیید کنم اما بالاخره ساختار حزبی، ساختاری برای انتقال نیروی انسانی به صحنه اجرای سیاسی و اداری کشور است. علاوه بر اینکه ما دانشگاه‌های حکمرانی نداریم. می‌خواهم عرض کنم یک چیزی این وسط گم شده است؛ شما فرض بفرمایید الان در همین دولت فعلی، اراده جوان‌گرایی وجود داشته باشد، از چه شبکه‌ای و چه مسیری می‌خواهد شناسایی کند. این هم یک نکته‌ای است که من فکر می‌کنم یکی از موضوعاتی که در این سال‌ها به‌خصوص در این دولت باید به آن فکر شود، همان شبکه‌رشد و تعالی در صحنه اجرایی کشور است.

زینب اصغریان | سه سال از روزی که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب سندی بالادستی را با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» منتشر کردند می‌گذرد. در این سند، مسائل مختلفی از جوان‌گرایی و اقتصاد مقاومتی گرفته تا ضرورت استفاده از حلقه‌های میانی مطرح شده بود. به مناسبت سالروز انتشار این بیانیه با دکتر حسین محمدی سیرت، عضوهیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **جناب محمدی، در متن بیانیه به این شکل آمده است: «فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما بی‌راهی این، فاصله‌ای طی‌شدنی است»؛ سؤالی که اینجا مطرح می‌شود ناظر بر چگونگی طی این مسیر است؟**

به نظر می‌رسد فاصله بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها موقعی اتفاق می‌افتد که ما یا صرفاً واقعیت‌ها را در نظر می‌گیریم یا صرفاً آرمان‌ها را. اگر واقع‌بینی و آرمان‌گرایی به‌صورت توأمان در نظر گرفته شود، قاعدتا وجدان‌های بیداری که در تلاش برای آرمان‌ها هستند، یک تصویر واقعی‌تر و حقیقی‌تری را از تحولات خواهند داشت.

نکته دوم این است «واقعیت» و «فهم گزارش از واقعیت» در بسیاری از مواقع با هم متفاوت است، یعنی در فضایی که امروز ما با هم گفت‌وگو می‌کنیم، واقعیت‌های کاذب وجود دارد که به نوعی واقعیت‌های ساخته شده هستند. اینکه واقعاً ما وضعیت ما با آرمان‌هایمان چه فاصله‌ای دارد، آیا این واقعیت را رسانه‌ها برای ما می‌سازند، آیا این واقعیت، یک گزارش حقیقی از صحنه موجود است؟ به‌نظر می‌رسد آن واقعیت‌های حقیقی -نه واقعیت‌های ساخته‌شده- را در نظر بگیریم، در بسیاری از موارد شرایط و وضعیت‌مان نسبت به آرمان‌ها قابل پذیرش است.

نکته سوم؛ عقلانیت و نگاه منطقی به مسیر و حرکت یک جامعه به سمت آرمان‌هاست. قطعاً یک پدیده مثل انقلاب اسلامی، پدیده‌ای لحظه‌ای نیست، نیازمند زمان و گذر زمان است؛ اینکه شما کل زمان را دچار فرسایش نکنید و درک کنید که تحولات اجتماعی نیازمند طی شدن و گذر از یک بازه‌های زمانی بلندمدت است نکته مهمی است. این استقامت و صبری که در عبور از مسیر حق و طی کردن مسیر حق توصیه شده در ادبیات دینی در همین قصه نهفته است وگرنه اگر مسیر، مسیری کوتاه و با سرعت به سمت هدف قابل طی شدن باشد، طبیعتاً تواضی به حق و تواصی به صبر را متذکر نمی‌شدند.

■ **این سند، یک دکترین و راهکاری است که به منظور اجرا در دهه پنجم انقلاب مقتدر قرار گرفته است. هسته مرکزی این دکترین سپردن کار به جوان‌ها با هدف پیشرفت همه‌جانبه است؛ نقش حقیقی جوانان برای اجرای بیانیه گام دوم چیست؟**

دو سه نکته را باید در نظر داشت، نخست اینکه آیا وضعیت موجود، یک وضعیت مطلوبی نسبت به جوان‌گرایی است؟ خیر! طبیعتاً آن اتفاقی که باید، نیفتاده است. اما می‌بینیم اراده و میل به سمت جوان‌گرایی، تبدیل به یک ادبیات شده است. این خود، نکته مهمی است. در روزگاری این مسئله اصلاً مطرح نبود، ولی امروز این مسئله از سوی جریان جوان به عنوان یک مطالبه، مطرح و از سوی بدنه اجرایی کشور نیز پذیرفته شده است. نکته دوم اینکه آیا بدنه جوان، آمادگی و زیرساخت‌های فکری، تجربی و... دارسیدن به مسئولیت اجرایی را دارد یا نه؟ به نظر می‌رسد این اتفاق نیفتاده است. من نمی‌خواهم بگویم ما اینجا نیروی انسانی لازم را نداریم؛ ولی نکته اینجاست که بین حوزه تربیت (و به نوعی تولید نیروی انسانی) و اینکه آن نیروی انسانی آماده حوزه اجرا شود، فاصله داریم.

■ **خب این به خاطر «تجربه» است که مسئولان فضا را برای جوان‌ها باز نکردند تا تجربه کسب کنند، چه بسا اگر فرصت تجربه کردن به جوان‌ها داده می‌شد، نتایج بهتری به بار می‌آمد**

این بحث تجربه یک چیز است، اما اینکه گام‌ها جوان در چه ساختاری وارد شود. الان مورد بحث ماست؛ نه دانشگاه‌های ما ارتباط معناداری با حوزه ارادت دارند و نه ما آن ساختار حزبی غربی را داریم. البته نمی‌خواهم ساختار حزبی غربی را تأیید کنم اما بالاخره ساختار حزبی، ساختاری برای انتقال نیروی انسانی به صحنه اجرای سیاسی و اداری کشور است. علاوه بر اینکه ما دانشگاه‌های حکمرانی نداریم. می‌خواهم عرض کنم یک چیزی این وسط گم شده است؛ شما فرض بفرمایید الان در همین دولت فعلی، اراده جوان‌گرایی وجود داشته باشد، از چه شبکه‌ای و چه مسیری می‌خواهد شناسایی کند. این هم یک نکته‌ای است که من فکر می‌کنم یکی از موضوعاتی که در این سال‌ها به‌خصوص در این دولت باید به آن فکر شود، همان شبکه‌رشد و تعالی در صحنه اجرایی کشور است.

■ **الان برای پرداختن به این مسئله خیلی دیر نیست؟ اینکه پس از ۴۰ سال، ما الان بگوییم سازوکار لازم برای به صحنه آوردن جوانان را نداریم و مشکل شبکه‌سازی داریم؟**

بله متأسفانه خیلی دیر است. وقتی شما از مسئولان نیز پذیرفته شده است. نکته دوم اینکه آیا بدنه جوان، آمادگی و زیرساخت‌های فکری، تجربی و... دارسیدن به مسئولیت اجرایی را دارد یا نه؟ به نظر می‌رسد این اتفاق نیفتاده است. من نمی‌خواهم بگویم ما اینجا نیروی انسانی لازم را نداریم؛ ولی نکته اینجاست که بین حوزه تربیت (و به نوعی تولید نیروی انسانی) و اینکه آن نیروی انسانی آماده حوزه اجرا شود، فاصله داریم.

■ **خب این به خاطر «تجربه» است که مسئولان فضا را برای جوان‌ها باز نکردند تا تجربه کسب کنند، چه بسا اگر فرصت تجربه کردن به جوان‌ها داده می‌شد، نتایج بهتری به بار می‌آمد**

این بحث تجربه یک چیز است، اما اینکه گام‌ها جوان در چه ساختاری وارد شود. الان مورد بحث ماست؛ نه دانشگاه‌های ما ارتباط معناداری با حوزه ارادت دارند و نه ما آن ساختار حزبی غربی را داریم. البته نمی‌خواهم ساختار حزبی غربی را تأیید کنم اما بالاخره ساختار حزبی، ساختاری برای انتقال نیروی انسانی به صحنه اجرای سیاسی و اداری کشور است. علاوه بر اینکه ما دانشگاه‌های حکمرانی نداریم. می‌خواهم عرض کنم یک چیزی این وسط گم شده است؛ شما فرض بفرمایید الان در همین دولت فعلی، اراده جوان‌گرایی وجود داشته باشد، از چه شبکه‌ای و چه مسیری می‌خواهد شناسایی کند. این هم یک نکته‌ای است که من فکر می‌کنم یکی از موضوعاتی که در این سال‌ها به‌خصوص در این دولت باید به آن فکر شود، همان شبکه‌رشد و تعالی در صحنه اجرایی کشور است.

■ **الان برای پرداختن به این مسئله خیلی دیر نیست؟ اینکه پس از ۴۰ سال، ما الان بگوییم سازوکار لازم برای به صحنه آوردن جوانان را نداریم و مشکل شبکه‌سازی داریم؟**

بله متأسفانه خیلی دیر است. وقتی شما از مسئولان نیز پذیرفته شده است. نکته دوم اینکه آیا بدنه جوان، آمادگی و زیرساخت‌های فکری، تجربی و... دارسیدن به مسئولیت اجرایی را دارد یا نه؟ به نظر می‌رسد این اتفاق نیفتاده است. من نمی‌خواهم بگویم ما اینجا نیروی انسانی لازم را نداریم